

بازسازی معنایی نسل زد از مفهوم دفاع مقدس: پژوهشی کیفی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد

محمود رضا رهبر قاضی^۱، مریم قربانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۷

چکیده:

هدف این پژوهش، واکاوی چگونگی معناسازی نسل زد از مفهوم دفاع مقدس در بستر تحولات فرهنگی معاصر ایران است. با توجه به فاصله تاریخی این نسل از واقعه جنگ و رشد آنان در چندصدایی هدایت‌شده دیجیتال، مقاله حاضر می‌کوشد تا نشان دهد نسل زد چگونه از طریق تجربه‌های زیسته خود، معنای دفاع مقدس را بازتفسیر می‌کنند. روش تحقیق، کیفی و مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد با رویکرد اشتراوس و کوربین است. داده‌ها از طریق ۲۲ مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌یافته با جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله در شهر تبریز گردآوری و تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مفهوم دفاع مقدس برای نسل زد نه به عنوان یک واقعیت تاریخی تثبیت‌شده، بلکه به مثابه متنی قابل بازخوانی تلقی می‌شود. این نسل در مواجهه با مفهوم دفاع مقدس، دو راهبرد اصلی اتخاذ می‌کند: ۱. پذیرش با بازتعریف اخلاقی، ملی و انقلابی، و ۲. مقاومت با بازخوانی انتقادی و خلق الگوهای بدیل. سرانجام، پیامدهای مواجهه نسل زد با دفاع مقدس سه‌وجهی است: تقویت فعال گفتمان ملی از طریق بازتعریف پویای مفهوم دفاع مقدس، تلفیق همزمان انتقاد و تعلق به روایت‌های موجود از دفاع مقدس، و خطر تضعیف پیوند نسلی که می‌تواند انتقال ارزش‌ها را با چالش مواجه کند. همچنین، بازسازی معنایی دفاع مقدس توسط نسل زد، نه نفی گفتمان رسمی بلکه تلاشی برای بازتفسیر گفتمان رسمی بر اساس ارزش‌ها، زبان و تجربه زیسته نسل جدید است.

واژگان اصلی: دفاع مقدس، نسل زد، بازسازی معنایی، فضای مجازی، فرهنگ چندصدایی.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)

m.rahbarqazi@uma.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه اوتاوا، اوتاوا، کانادا

مقدمه

در بستر تاریخی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دفاع مقدس نه صرفاً یک رخداد نظامی، بلکه مفهومی ریشه‌دار در هویت‌سازی ملی، بازتولید ارزش‌های انقلابی و تقویت گفتمان مقاومت تلقی می‌شود (طهماسبی و عسگری، ۱۴۰۲). این مفهوم از همان سال‌های آغازین جنگ تحمیلی، در قالب گفتمانی رسمی، با تأکید بر مفاهیمی چون ایثار، شهادت، ولایت‌مداری و مبارزه با استکبار جهانی، به یکی از ارکان بنیادین مشروعیت سیاسی و انسجام فرهنگی نظام تبدیل شد (غیبی و همکاران، ۱۴۰۰). در این راستا، در حافظه جمعی مردم ایران، به‌ویژه نسل‌های گذشته، دفاع مقدس با روایت‌هایی از فداکاری مردمی، مشارکت عمومی در جنگ، و حماسه‌آفرینی رزمندگان در جبهه‌ها پیوند خورده است؛ به گونه‌ای که این نسل‌ها نه تنها در تجربه زیسته خود با جنگ و پیامدهای آن مواجه بوده‌اند، بلکه در فرآیندهای اجتماعی شدن، آموزش رسمی و رسانه‌های جمعی نیز با بازنمایی گسترده این مفهوم تربیت یافته‌اند. از این‌رو، دفاع مقدس در گفتمان سیاسی- اجتماعی ایران، نه تنها یک حافظه تاریخی بلکه یک منبع قوی‌تری برای معنا، مشروعیت و بسیج فرهنگی به شمار می‌آید (باقری و رضوی، ۱۳۹۵).

اما به نظر می‌رسد نسل زد، که عمدتاً متولدین دهه ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ را دربر می‌گیرد، در بستر تحول‌یافته‌ای از جهان ارتباطات، فرهنگ دیجیتال و تغییرات اجتماعی رشد یافته است و از این‌رو، ویژگی‌های هویتی و فرهنگی متمایزی نسبت به نسل‌های پیشین دارد (فاطمی و اسلامی، ۱۳۹۷؛ محمودزاده و همکاران، ۱۴۰۳). این نسل، در مقایسه با نسل‌های گذشته، در فضایی متنوع‌تر از اطلاعات، تصاویر و روایت‌ها رشد یافته است که ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های رسانه‌ای، نیازمند هدایت فرهنگی هوشمندانه‌تری از سوی نهادهای تربیتی و ارزشی است. جهانی شدن و دسترسی گسترده به رسانه‌های نوین، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، موجب شده تا نسل زد در معرض ارزش‌ها، سبک‌های زندگی و هنجارهای متفاوت و بعضاً متعارض قرار گیرد (قنبری و همکاران، ۱۴۰۲). از سوی دیگر، هویت‌یابی این نسل بیشتر در قالب بازنمایی‌های فردی، تجربه‌های زیسته شخصی و تعاملات فرامرزی در بستر دیجیتال شکل می‌گیرد تا از طریق نهادهای رسمی آموزشی یا فرهنگی و در نتیجه، ذهنیت نسل زد در مواردی متأثر از نگاه‌های متفاوت و نوین به مفاهیم ارزشی و تاریخی همچون دفاع مقدس است؛ امری که لزوم بازتولید خلاقانه روایت‌های انقلابی برای پاسخگویی به اقتضائات نسلی را ضروری می‌سازد.

بنابراین، در فضای فرهنگی و اجتماعی کنونی ایران، یکی از چالش‌های بنیادین، شکاف نسلی در درک و تفسیر مفاهیم تاریخی-ارزشی مانند دفاع مقدس است؛ مفهومی که برای نسل‌های پیشین، بار معنایی عمیق و تجربه زیسته داشته، اما برای نسل زد که در بستری متفاوت از تحولات رسانه‌ای، ارتباطی و فرهنگی رشد یافته، به مفهومی نیازمند تبیین دوباره و پیوند عمیق‌تر با تجربه زیسته نسل جدید تبدیل شده است. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش نیز در همین چارچوب شکل می‌گیرد: نسل زد چگونه در شرایط معاصر، مفهوم دفاع مقدس را درک، تفسیر و بازنمایی می‌کند؟ با توجه به خلأ موجود در ادبیات پژوهشی درباره نسبت نسل جدید با مفاهیم بنیادین گفتمان انقلاب اسلامی، این مطالعه تلاشی برای پر کردن بخشی از این خلأ و فهم عمیق‌تر از جهان ذهنی و معنایی نسل زد در قبال دفاع مقدس است.

لازم به ذکر است که با وجود تحولات نسلی و رسانه‌ای در جهان امروزی، گفتمان رسمی دفاع مقدس در ایران همچنان یکی از ارکان هویت‌ساز فرهنگی و ملی در جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. این گفتمان، با برجسته‌سازی ارزش‌هایی چون ایثار، مقاومت و وحدت ملی، نقشی بی‌بدیل در انسجام اجتماعی ایفا کرده است و همچنان مرجع مهمی در بازنمایی معنای فداکاری و وطن‌دوستی است. پژوهش حاضر نیز با رویکردی تحلیلی و هم‌سوی با تقویت گفتمان انقلاب اسلامی، در پی ایجاد زمینه‌ای برای تعمیق پیوند نسلی با مفاهیم ارزشی و بازآفرینی روایت‌های مشترک در چارچوب‌های اصیل فرهنگی است. حال، هدف اصلی این پژوهش، شناخت چگونگی معناسازی نسل زد از مفهوم دفاع مقدس در بستر تحولات اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای معاصر است. این مطالعه می‌کوشد با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و چارچوب نظریه داده‌بنیاد، به بررسی این مسئله بپردازد که نسل زد چگونه و بر پایه چه عوامل و تجربیاتی به درک و تفسیر مفهومی چون دفاع مقدس می‌پردازد، چه راهبردهایی را در برابر این پدیده اتخاذ می‌کنند، و سرانجام پیامدهای این امر در جامعه چیست. سرانجام، هدف این پژوهش آن است که مدلی نظری از سازوکار معناسازی این نسل نسبت به مفهوم ارزشی-تاریخی دفاع مقدس ارائه شود؛ مدلی که بتواند ابعاد پیچیده این فرآیند را در تعامل با گفتمان‌های مسلط و زمینه‌های متکثر نسلی آشکار سازد.

پیشینه تجربی

جدول ۱. پژوهش‌های صورت گرفته درباره موضوع دفاع مقدس با تمرکز روی نسل جوان

محققان (سال)	روش تحقیق	یافته‌ها
خضرائی‌راد و همکاران (۱۴۰۱)	روش ترکیبی	شناسایی اهداف، مطلوبیت‌ها و اولویت‌های راهبردی انتقال آموزه‌های فرهنگی دفاع مقدس، تدوین نگاشت نهادی، و تعیین الزامات تحقق طرح راهبردی برای انتقال این آموزه‌ها به نسل‌های آینده
علیزاده و همکاران (۱۴۰۲)	کمی	هویت‌یابی جوانان از طریق دفاع مقدس با هویت دینی، ملی، قومی و سیاسی رابطه مستقیم دارد؛ هویت دینی بیشترین تأثیر را دارد؛ رسانه‌ها تأثیر معکوس دارند
تاج‌بخش (۱۳۹۹)	کیفی با رویکرد پدیدارشناختی	شناسایی چهار بُعد تأثیر: اجتماعی (هویت جهادی و فراملی)، سیاسی (استکبارستیزی)، فرهنگی-مذهبی (بصیرت‌افزایی)، روان‌شناختی (الگوسازی و همگرایی نسلی)؛ شهادت سلیمانی منجر به بازتولید ارزش‌های فداکاری و ایثار در نسل جدید شده است
شیرشاهی (۱۳۹۹)	تحلیلی-تاریخی	ادبیات داستانی دفاع مقدس دچار دگردیسی تدریجی شده و از روایت‌های ساده و ایدئولوژیک دهه ۶۰ به سمت تحلیل‌های اجتماعی، انتقادی و فلسفی در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ حرکت کرده است.
سلیمان‌پورعمران و همکاران (۱۳۹۸)	توصیفی-پیمایشی	اصلی‌ترین روش‌های آشنایی دانش‌آموزان با ارزش‌های دفاع مقدس شامل فیلم، هنرهای نمایشی، کتب و اشعار، راهیان نور و تدریس معلمان است؛ اما از روش‌های میدانی و روایت‌گری مستقیم کمتر استفاده شده است.
سبحانی‌فر و همکاران (۱۳۹۶)	مطالعات میدانی و تحلیلی	سیاست‌گذاری فرهنگی در قالب پنج راهبرد شامل: تولید محصولات آموزشی، تولیدات نمادین، تولیدات شنیداری، دیداری و ارتباطی، تولیدات نوشتاری و تولیدات مناسکی در انتقال ارزش‌های دفاع مقدس مؤثرند؛ در این میان، تولیدات شنیداری، دیداری و ارتباطی بیشترین و تولیدات نمادین کمترین تأثیر را دارند.

بشیر، تلوری (۱۳۹۵)	تحلیل گفتمان انتقادی	در فیلم «اخراجی‌ها»، ۱۵ انگیزه برای حضور جوانان در دفاع مقدس بازنمایی شده است که در سه گفتمان ارزشی، ملی‌گرایانه و خودگرایانه دسته‌بندی می‌شوند؛ سینما به‌عنوان ابزار بازنمایی نگرش نسل‌ها نسبت به ارزش‌های دفاع مقدس عمل می‌کند
--------------------	----------------------	--

برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً بر تحلیل تأثیرات فرهنگی، تربیتی یا رسانه‌ای دفاع مقدس بر جوانان یا بررسی نگرش‌های کلی نسل جدید نسبت به آن تمرکز داشته‌اند، نوآوری مقاله حاضر در رویکرد معناسازانه، تفسیری و نسلی آن نهفته است. این پژوهش، با تکیه بر روش نظریه داده‌بنیاد و تمرکز ویژه بر نسل زد، تلاش کرده تا نه فقط ادراک، بلکه سازوکارهای درونی معناسازی این نسل از مفهوم دفاع مقدس را در بستر تجربه‌های زیسته، حافظه خانوادگی، فضاهای مجازی و موقعیت‌های اجتماعی معاصر بررسی کند. بدین ترتیب، مطالعه حاضر با عبور از سطح توصیف نگرش‌ها یا سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، به کشف لایه‌های معنایی، شیوه‌های بازفهمی فعالانه و تبیین‌های متنوع هویتی نسل زد از این مفهوم پرداخته و مدلی نظری برای تحلیل این فرآیند ارائه داده است؛ مدلی که در ادبیات پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

مبانی نظری

معناسازی اجتماعی پدیده‌ها، به‌ویژه مفاهیم تاریخی و بنیادین مانند دفاع مقدس، همواره در بستر گفتمان‌ها و فرایندهای بازنمایی فرهنگی صورت می‌گیرد (تمنایی و همکاران، ۱۴۰۱) چرا که از منظر نظریه گفتمان فوکو، معنا نه در ذات پدیده‌ها، بلکه در ساختارهای دانشی نهفته است که توسط نهادهای قدرت تولید و تثبیت می‌شوند (نظری، ۱۳۹۰). در این راستا، گفتمان رسمی دفاع مقدس در ایران، نیز با تکیه بر روایت‌های خاص، از طریق ابزارهایی چون رسانه، نظام آموزشی و مناسک اجتماعی، تلاش دارد تفسیری واحد و مشروع و مبتنی بر واقعیت‌های تاریخی از این واقعه ارائه دهد (کرویه و گلپایگانی، ۱۳۹۸). با این حال، نظریه بازنمایی و مقاومت فرهنگی استوارت هال نشان می‌دهد که مخاطبان، به‌ویژه نسل‌های جدید، در مواجهه با این معناهای رسمی الزاماً موضعی منفعل اتخاذ نمی‌کنند، بلکه ممکن است از طریق خوانش‌های متفاوت و بازتفسیر نشانه‌ها، معنایی متناسب با شرایط فرهنگی خود شکل دهند (ظفرعبداله‌زاده، ۱۴۰۲). در این میان، به نظر می‌رسد که نسل زد به عنوان نسلی با تجربه‌های زیسته متفاوت، در برابر معناسازی‌های رسمی، در تلاش است تا در بستر رسانه‌های نوین، با زبان و الگوهای فرهنگی متناسب با زیست خود،

پیوندهای تازه‌ای با مفاهیم ارزشی برقرار کند و بازفهمی‌هایی نوین از آن‌ها ارائه دهد (احمدی و کریمی، ۱۴۰۳). از این رو، فهم فرایند معناسازی نسل زد، مستلزم تحلیلی هم‌زمان از قدرت گفتمانی و مقاومت فرهنگی است.

در این راستا، بر اساس رویکرد فوکو، گفتمان‌ها نظام‌هایی از دانش هستند که به‌واسطه آن‌ها، معناها تولید، سازماندهی و کنترل می‌شوند. گفتمان، نه‌تنها زبان یا روایت، بلکه شبکه‌ای از روابط قدرت و دانش است که تعیین می‌کند چه چیزی گفته شود، چگونه گفته شود و چه چیزهایی حذف یا به حاشیه رانده شوند. به‌زعم فوکو، معناها همواره در دل مناسبات قدرت شکل می‌گیرند و هیچ معنایی مستقل از این ساختارها وجود ندارد (صالحی‌زاده، ۱۳۹۰). در این چارچوب، گفتمان‌های رسمی را می‌توان حاصل تلفیق نهادهای قدرت همچون دولت، رسانه، آموزش و نهادهای فرهنگی دانست که از طریق بازتولید مستمر یک روایت خاص، در پی تثبیت نوعی حافظه جمعی، هویت ملی و مشروعیت سیاسی هستند. اما همین ساختارهای گفتمانی ممکن است در مواجهه با تحولات نسلی و فرهنگی، نیازمند بازتبین و تقویت پیوندهای مفهومی با نسل‌های جدید باشند (فرهمند و همکاران، ۱۴۰۴). اینجاست که ظرفیت نظریه گفتمان فوکو در تحلیل مقاومت‌های نوظهور در برابر معناهای تثبیت‌شده، اهمیت می‌یابد.

در نظریه گفتمان فوکو (۱۳۹۸)، گفتمان‌ها نه صرفاً ابزارهای اعمال قدرت، بلکه میدان‌هایی برای منازعه بر سر معنا هستند. به بیان دیگر، هر گفتمان در همان حال که تلاش می‌کند معنا را تثبیت و مرزهای «بایدها» و «نبایدها» را ترسیم کند، هم‌زمان امکان مقاومت را نیز در درون خود تولید می‌کند. این مقاومت نه لزوماً در قالب مخالفت آشکار سیاسی، بلکه از طریق برهم‌زدن قواعد معناسازی، بازتعریف نشانه‌ها، و خلق گفتمان‌های فرعی صورت می‌گیرد. فوکو نشان می‌دهد که قدرت هرگز یک‌سویه و مطلق نیست؛ بلکه رابطه‌ای سیال و متغیر است که در آن، سوژه‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از خلاهای گفتمانی، شکاف‌های معنایی، و فراروی از روایت‌های تثبیت‌شده، معانی بدیلی را تولید کنند (توانا و علی‌پور، ۱۳۹۴). به عبارت دیگر، سوژه‌های نسل زد، به‌واسطه موقعیت تاریخی خاص خود و زیست در فضای مجازی و رسانه‌های تعاملی، از مکانیسم‌هایی چون بازخوانی انتقادی و طرد نمادین برای زیر سؤال بردن معناهای رسمی استفاده می‌کند. آن‌ها با بهره‌گیری از زبان دیجیتال، هویت‌های سیال و تجربه‌های فردی، در برابر اقتدار معناهای رسمی به بازفهمی‌های جدید می‌رسند، بدون آن‌که الزامی برای تقابل یا گسست با مفاهیم رسمی وجود

داشته باشد. در نتیجه، تحلیل این اشکال مقاومت نه در سطح تقابل‌های سیاسی، بلکه در سطح میکروگفتگمائی و روزمره باید صورت گیرد؛ جایی که قدرت و مقاومت در هم تنیده‌اند و معناسازی به میدان چانه‌زنی فرهنگی تبدیل می‌شود (Franklin, 2013).

همچنین، نظریه بازنمایی استوارت هال (۱۹۸۰) بر این اصل استوار است که معنا در لحظه تولید پیام شکل نمی‌گیرد، بلکه در فرایند رمزگذاری توسط فرستنده و رمزگشایی توسط مخاطب ساخته می‌شود. هال با معرفی سه نوع خوانش—خوانش ترجیحی، خوانش مذاکره‌ای و خوانش مقاومتی—نقش فعال مخاطب در معناسازی را برجسته می‌سازد. از این منظر، بازنمایی‌های رسمی، که از سوی نهادهای قدرت با هدف تثبیت هویت جمعی و مشروعیت تاریخی تولید می‌شوند، الزاماً به‌صورت یکسان توسط مخاطبان دریافت نمی‌شوند (منتظر قائم و کاوند، ۱۳۹۳). بنابراین، نسل‌های جدید که در بستر فرهنگی و رسانه‌ای متفاوتی نسبت به نسل‌های پیشین رشد یافته‌اند، با تکیه بر تجربه زیسته فردی، گفتمان‌های جهانی و ابزارهای دیجیتال، قادر است خوانش‌های مقاومتی نسبت به این بازنمایی‌ها شکل دهد. این مقاومت ممکن است در قالب بازتعریف نمادها، یا تولید محتوای انتقادی و غیره ظاهر شود. به این ترتیب، هال نه تنها مخاطب را از جایگاه منفعل خارج می‌سازد، بلکه نشان می‌دهد که فرآیند معناسازی امری سیال، چندلایه و گشوده به بازتفسیرهای متناسب با موقعیت‌های فرهنگی و ارتباطی نسل‌هاست و این دقیقاً همان نقطه‌ای است که می‌توان ظرفیت‌های گفتگمائی نسل زد را در تعامل خلاقانه با روایت‌های رسمی تحلیل و تقویت کرد (Decherney & Sender, 2018).

روش تحقیق

این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد نظریه داده‌بنیاد^۱ با رویکرد اشتراوس و کوربین (۱۴۰۱) انجام شده است. هدف از به‌کارگیری این روش، کشف و تدوین یک چارچوب نظری بومی و برآمده از داده‌ها درباره نحوه معناسازی نسل زد از مفهوم دفاع مقدس در بستر تحولات فرهنگی و رسانه‌ای معاصر است. در این راستا، میدان تحقیق، جوانان ایرانی با دامنه سنی تقریباً ۱۸ تا ۳۰ سال هستند که در شهر تبریز سکونت دارند. روش نمونه‌گیری به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند با تنوع حداکثری انجام شده است تا بتوان طیفی متنوع از تجربه‌ها، نگرش‌ها و زمینه‌های فرهنگی را پوشش داد و در مجموع، ۲۲ مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت یافته با افراد مختلف از نظر جنس،

1 Grounded Theory

تحصیلات، وضعیت تأهل، شغل و سوابق خانوادگی در رابطه با دفاع مقدس انجام شد.

جدول ۲: ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان

مصاحبه شونده	سن	وضعیت تأهل	جنس	تحصیلات	شغل
۱	۲۰	مجرد	زن	کارشناسی	دانشجو
۲	۲۷	مجرد	مرد	کارشناسی	بیکار
۳	۲۴	مجرد	مرد	دیپلم	کارگر صنعتی
۴	۲۸	مجرد	مرد	کارشناسی	پرستار
۵	۲۴	مجرد	زن	کارشناسی	بیکار
۶	۲۹	متاهل	زن	دیپلم	خانه‌دار
۷	۲۷	مجرد	مرد	دیپلم	بازاری
۸	۲۷	مجرد	مرد	زیر دیپلم	تجارت
۹	۲۰	مجرد	زن	کارشناسی	دانشجو
۱۰	۲۳	مجرد	مرد	دیپلم	کارگر صنعتی
۱۱	۲۴	متاهل	مرد	دیپلم	مغازه‌دار
۱۲	۲۵	مجرد	مرد	کارشناسی ارشد	دانشجو
۱۳	۲۰	مجرد	زن	کارشناسی	دانشجو
۱۴	۲۰	مجرد	مرد	دیپلم	مکانیک
۱۵	۲۱	مجرد	مرد	کارشناسی	دانشجو
۱۶	۱۹	مجرد	زن	کارشناسی	دانشجو
۱۷	۲۱	مجرد	زن	کارشناسی	دانشجو
۱۸	۲۶	متاهل	زن	کارشناسی	خانه‌دار
۱۹	۲۱	مجرد	زن	کارشناسی	دانشجو
۲۰	۲۸	متاهل	مرد	دیپلم	کارگر صنعتی
۲۱	۲۰	مجرد	زن	کارشناسی	دانشجو
۲۲	۱۹	مجرد	زن	زیر دیپلم	بیکار

داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساخت یافته گردآوری شده است. مصاحبه‌ها با پرسش‌هایی باز و اکتشافی آغاز و با توجه به پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان، به صورت تعاملی و انعطاف‌پذیر ادامه یافتند. تلاش شد فضایی فراهم شود تا مشارکت‌کنندگان آزادانه برداشت‌ها،

خاطرات، تجربه‌ها و نگرش‌های خود را درباره دفاع مقدس بیان کنند. مدت زمان هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه متغیر بود.

تحلیل داده‌ها بر اساس الگوی اشتراوس و کوربین در سه مرحله‌ی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی انجام شده است. همچنین، برای تضمین اعتبار داده‌ها، مصاحبه‌ها توسط پژوهشگر دوم به‌عنوان تحلیل‌گر هم‌تا مورد بازبینی قرار گرفت، از نقل‌قول‌های مستقیم مشارکت‌کنندگان برای تقویت اصالت داده‌ها استفاده شد، و سرانجام برداشت‌های پژوهشگر از طریق بازگشت به مشارکت‌کنندگان تأیید گردید.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها بر اساس الگوی سه‌مرحله‌ای نظریه داده‌بنیاد (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی) تحلیل شده‌اند که نتایج آن در جدول شماره ۳ ارائه شده است. این جدول بیانگر فرآیند شکل‌گیری مقولات اصلی و استخراج مفهوم هسته از دل داده‌های خام می‌باشد.

جدول ۳. کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی یافته‌های تحقیق

هسته	کدهای محوری	کدهای متمرکز	
بازسازی هویتی و معنایی دفاع مقدس در بستر چندصدایی نسلی	شکاف نسلی در معناپردازی دفاع مقدس	فاصله‌ی تجربی نسل‌ها، تفاوت در ادراک تاریخی، تفاوت زاویه نگاه به روایت رسمی در نسل جدید	حافظه
	عدم تجربه‌ی مستقیم از جنگ	عدم تجربه‌ی میدانی، حافظه‌ی غیرزیسته، جنگ به‌مثابه خاطره، ادراک روایتی غیرمستقیم	
	چندصدایی در حافظه‌ی خانوادگی	تنوع بازنمایی درون‌خانواده‌ای، روایت‌های متقابل، ناهمخوانی حافظه‌ی خانوادگی	
	تداخل منابع هویتی درون‌نسلی	هویت‌های چندگانه، مرجعیت رسانه‌های غیررسمی، رقابت گفتمان‌های فرهنگی، تأثیرپذیری فراملی، سیالیت هویتی	
تاریخ‌نمایی	بستر شهری مدرن و چندفرهنگی	تنوع زبانی - قومی، هویت شهری ترکیبی، تجربه‌ی زیست متکثر، مواجهه با سبک‌های زندگی نو، کاهش زمینه‌های مشترک برای هم‌دلی تاریخی	
	بازنمایی‌های متنوع در	بازآفرینی روایت در بستر دیجیتال، تنوع در تولید محتوا،	

۳۱ ایقان مادانه گر	کاهش انحصار گفتمان رسمی در پلتفرم‌ها	فضای مجازی
	احساس محرومیت ادراک‌شده، نارضایتی از خدمات عمومی، گسست سرمایه‌ی اجتماعی	ادراک نسلی از فاصله‌ی انتظار تا عملکرد
	کاهش مرجعیت ایدئولوژی به شیوه‌های سنتی، کاهش اثرگذاری سنتی گفتمان‌های رسمی بر ذهنیت نسل جدید	تغییر در سازوکارهای پیوند نسلی با گفتمان رسمی
	جذب سبک زندگی جهانی، الگوبرداری از رسانه‌های فرامرزی، ترجیح محتواهای غیربومی	الگوهای مصرف فرهنگی فراملی
۳۲ راه دو	بازمعنابخشی اخلاقی دفاع مقدس، پیوند دفاع مقدس با هویت ملی - دینی، انتخاب گزینشی نمادهای همدلانه، روایت‌سازی از طریق تولید محتوای داوطلبانه	پذیرش
	فاصله‌گذاری انتقادی، تأکید بر ابعاد انسانی - اجتماعی دفاع مقدس، بازخوانی مفهومی، الگوبرداری از الگوهای نوین مقاومت در جهان اسلام	مقاومت
۳۳ ساز ش	تقویت هویت ملی پویا، بازگشت به روایت‌های مردمی دفاع مقدس، افزایش تفکر تحلیلی در تاریخ‌پژوهی	پیامدهای تقویت‌کننده گفتمان ملی
	کاهش پیوند حسی برخی جوانان با مفاهیم تاریخی، نیاز به بازآفرینی شیوه انتقال ارزش‌ها، شکل‌گیری برداشت‌های متفاوت در فضای مجازی	پیامدهای هشدارآمیز فرهنگی
	تلفیق انتقاد و تعلق در رویکرد نسلی، همزیستی روایت‌های رسمی و غیررسمی	پیامدهای ترکیبی و میان‌سطحی

شرایط علی

شکاف نسلی در معناپردازی دفاع مقدس

شکاف نسلی در معناپردازی، از گسست در فرآیند انتقال معنا بین نسل‌ها ناشی می‌شود؛ به‌ویژه هنگامی که یک نسل، تجربه‌ی زیسته‌ای از واقعه‌ای ندارد و در عوض، تنها از طریق روایت‌های ثانویه (خانوادگی، نهادی، رسانه‌ای) با آن مواجه می‌شود. در اینجا، دفاع مقدس برای نسل زد، به‌دلیل فقدان تجربه‌ی میدانی، بیشتر در قالب روایت‌های منتقل‌شده دریافت می‌شود؛ روایتی که می‌تواند زمینه‌ساز تأمل، تفسیر و بازفهمی از مفاهیم آن بر اساس اقتضائات نسلی باشد. این فرایند

موجب بازمعنا بخشی به دفاع مقدس می‌شود؛ یعنی تلاشی برای پیوند مجدد این مفهوم با زبان و ارزش‌های نسل جدید، بدون فاصله‌گیری از بنیادهای اصیل آن. مصاحبه‌شونده شماره ۶ در این زمینه استدلال می‌کند: «وقتی که درباره دفاع مقدس صحبت می‌شود، احساس می‌کنم در مورد موضوعی حرف می‌زنند که فقط از طریق برنامه‌های تلویزیونی با آن آشنا شده‌ام... گاهی به این فکر می‌کنم که آیا ممکنه دفاع مقدس را نه تنها به عنوان جنگ بلکه به شکل الگویی از فداکاری، ایثار و اخلاق انسانی تفسیر کنیم؟». این تأمل نشان می‌دهد که نسل زد، می‌تواند با تفسیر اخلاق محور و انسانی از دفاع مقدس، به بازتعریف این مفهوم به عنوان الگویی برای ایثار و مسئولیت جمعی در جهان معاصر دست یابد.

عدم تجربه‌ی مستقیم از جنگ

نبود تجربه‌ی میدانی از یک رویداد تاریخی در میان نسل‌های جدید منجر به شکل‌گیری حافظه‌ی غیرزیسته می‌شود؛ یعنی حافظه‌ای که نه از دل تجربه‌ی عینی، بلکه از مسیر روایت، بازنمایی و بازخوانی رسانه‌ای ساخته می‌شود. مفاهیمی چون جنگ و مقاومت، زمانی که در بستر روایت‌های دیگران ارائه می‌شوند، نیازمند تبیین مجدد و بازنقل مؤثرتر برای نسل‌های جدید هستند. بنابراین، حافظه‌ی دفاع مقدس برای نسل زد، به دلیل عدم حضور میدانی، از حوزه‌ی ارتباطی (زنده، روزمره، تجربی) خارج شده و به حافظه‌ای فرهنگی تبدیل شده است. همین امر باعث می‌شود دفاع مقدس برای این نسل، فراتر از یک رویداد تاریخی، به نمادی از ایثار، پایداری و هویت ملی تبدیل شود؛ نمادی که قابلیت بازخوانی ارزش‌های آن در بسترهای معاصر وجود دارد. مصاحبه‌شونده شما ۱۱ استدلال می‌کند: «من هرگز جنگ را تجربه نکرده‌ام و عمدتاً این موضوع را از طریق حرف‌هایی که خانواده و رسانه‌ها به اشتراک می‌گذارند، درک می‌کنم. بعضاً مادرم درباره دوران جنگ صحبت می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه مردم باید وقتی صدای آژیر خطر به گوش می‌رسید، چراغ‌ها را خاموش می‌کردند... این تجربیات برای من خیلی قابل لمس نیستند، اما اگر داستان‌های پرشور و الهام‌بخش از آن روزها در فضاهایی مثل شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شوند، ممکن است بتوانم ارتباط عمیق‌تری با آنها پیدا کنم». این گفته نشان می‌دهد که اگر بازنشر روایت‌های الهام‌بخش دفاع مقدس با زبان رسانه‌های نوین و نیازهای عاطفی نسل جدید پیوند بخورد، می‌تواند حافظه‌ی فرهنگی آنان را به منبعی زنده برای بازتعریف هویت انقلابی و ملی تبدیل کند.

چندصدایی در حافظه‌ی خانوادگی

حافظه‌ی خانوادگی یکی از منابع اصلی انتقال ارزش‌ها و روایت‌های تاریخی در نسل‌هاست اما در عصر معاصر و به‌ویژه برای نسل زد، این حافظه، دیگر یک‌دست و یک‌صدا نیست، بلکه به‌طرز فزاینده‌ای چندصدایی، متناقض و پراکنده است؛ پدر، مادر، پدربزرگ، خاله یا دایی، هرکدام ممکن است روایت خاص خود از جنگ و دفاع مقدس داشته باشند. این تنوع در روایت‌ها می‌تواند نسل زد را با مجموعه‌ای غنی و گاه متفاوت از تجربه‌ها مواجه کند، که او را به تفکر، انتخاب و تعمیق در فهم مفاهیم ایثار و مقاومت سوق می‌دهد. در نتیجه، فرد در مقام فاعل معنا ساز، روایت خود را باید از لابه‌لای این چندصدایی خانوادگی بازسازی کند. مصاحبه‌شونده شماره ۸ استدلال می‌کند: «زمانی که صحبت از جنگ به میان می‌آید، خانواده ما پراست از داستان‌های مختلف. پدرم با افتخار درباره عملیات‌های آن زمان صحبت می‌کند و همیشه تأکید دارد که ما آن زمان برای میهن خود ایستادیم. دایی‌ام هم تجربه خاص خودش را دارد. این داستان‌ها به من کمک می‌کند تا از زوایای مختلف به آن دوران نگاه کنم». این تجربه نشان می‌دهد که تنوع روایت‌های خانوادگی درباره دفاع مقدس، اگر با تأمل نسل جدید همراه شود، می‌تواند به تعمیق فهم فردی از مفاهیم ایثار و میهن‌دوستی بینجامد و هویتی آگاهانه و ریشه‌دار را در دل نسل زد شکل دهد.

تداخل منابع هویتی درون‌نسلی

هویت نسل زد برخلاف نسل‌های پیشین، از منابع متنوع‌تری مانند دین، ملیت، رسانه‌های نوین، و فضای مجازی تأثیر می‌پذیرد. این منابع گاه در رقابت با یکدیگر قرار می‌گیرند و موجب می‌شوند جوان امروز با تنوعی از علائق و جهت‌گیری‌های هویتی مواجه شود. در این میان، دفاع مقدس به‌عنوان یک رکن پایدار هویت ملی و دینی، ظرفیت آن را دارد که با بهره‌گیری از زبان نسل جدید، جایگاه خود را در میان سایر مؤلفه‌ها تقویت کند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۸ استدلال می‌کند: «من هم‌زمان هم به ترک بودنم افتخار می‌کنم و هم‌زمان فیلم‌ها و سرگرمی‌های بین‌المللی را هم دوست دارم. از طرف دیگر گه‌گاه فیلم‌های مرتبط با دوران دفاع مقدس را هم تماشا می‌کنم هرچند دوست دارم آن‌ها را بیشتر در قالب‌های جذاب و امروزی ببینم. من اعتقاد دارم که تمام این علاقه‌ها می‌توانند با هم هماهنگ باشند و به تقویت دیدگاه من نسبت به موضوعات مختلف کمک کنند». این گفته نشان می‌دهد که درک چندبُعدی نسل زد از هویت، اگر به‌درستی هدایت شود، می‌تواند به هم‌افزایی میان عناصر قومی، جهانی و دینی منجر شده و دفاع مقدس را به‌عنوان نقطه اتصال این سطوح در ذهن نسل جوان تثبیت کند.

شرایط زمینه‌ای

بستر شهری مدرن و چندفرهنگی

شهرهایی مانند تبریز، با تنوع قومی و فرهنگی، در سال‌های اخیر به عرصه‌ای برای هم‌زیستی اقوام و سبک‌های زندگی مختلف تبدیل شده‌اند. در چنین بستری، نسل زد تجربه‌ای چندلایه از هویت دارد که شامل عناصر ملی، دینی، قومی و جهانی است. در این زمینه، دفاع مقدس به‌عنوان یکی از ارکان هویت ملی و دینی، نیاز دارد که با زبان و دغدغه‌های روز نسل جدید، ارتباط مؤثر برقرار کند تا جایگاه خود را در میان دیگر سطوح هویتی حفظ و تقویت نماید. مصاحبه‌شونده شماره ۴ استدلال می‌کند: «ما در محیطی بزرگ شده‌ایم که به زبان ترکی صحبت می‌کنیم، اما در عین حال فارسی می‌خوانیم و در فضاهای مجازی نیز با انگلیسی سر و کار داریم. به همین دلیل، طبیعی است که هر شخص برداشت‌ها و تجربه‌های منحصر به فرد خود را از تاریخ کشور داشته باشد. با این حال، معتقدم در حالت کلی خودش باید فهمی مشترک از دفاع مقدس، به اشتراک گذاشته شود». این تجربه نشان می‌دهد که حتی در بسترهای زبانی و فرهنگی متفاوت، اگر روایت دفاع مقدس با زبان بومی و تجربه‌زیسته نسل جدید پیوند بخورد، می‌تواند به خلق فهمی مشترک و درونی‌سازی ارزش‌های ملی و دینی در دل نسل آینده منجر شود.

بازنمایی‌های متنوع در فضای مجازی

در عصر دیجیتال، نسل زد نه تنها مخاطب، بلکه کنشگر فعال در تولید معنا و بازنمایی تاریخی است. شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام، یوتیوب و تیک‌تاک، بستری فراهم کرده‌اند که در آن نسل جدید از طریق روایت‌های شخصی، خلاقانه و گاه احساسی، تلاش می‌کند تجربه خود از مفاهیم بزرگ ملی، از جمله دفاع مقدس، را با زبان خود بیان کند. این بازنمایی‌ها اگرچه ممکن است با بیان رسمی تفاوت‌هایی داشته باشند، اما می‌توانند در صورت هدایت درست، به تعمق نسلی و بازپیوند عاطفی با تاریخ دفاع مقدس منجر شوند. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ استدلال می‌کند: «برای من، مفهوم دفاع مقدس همون چیزی نیست که در تلویزیون یا مدارس می‌گن. هرگز نتونسته‌ام با آن تعریف رسمی ارتباط برقرار کنم. اما یک بار در اینستاگرام، پستی از دختری هم‌سن خودم دیدم که خاطره‌ای واقعی از مادرش درباره جنگ نوشته بود؛ در آن لحظه، حس عمیقی در درونم شکل گرفت که تا پیش از آن هرگز تجربه نکرده بودم». این تجربه‌ها نشان می‌دهد که اگر روایت دفاع مقدس در قالب‌های نو و زبان نسل جوان بازآفرینی شود، می‌تواند پلی ارتباطی میان گذشته‌ی پرافتخار و آینده‌ی پُر امید نسل‌ها باشد.

شرایط مداخله‌گر

ادراک نسلی از فاصله‌ی انتظار تا عملکرد

یکی از عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری ذهنیت نسل‌ها، تجربه‌ی زیسته‌ی آن‌ها از کارآمدی نهادهای اجتماعی و اقتصادی است. نسل زد، که در بستر تحولات پرشتاب اقتصادی و فرهنگی رشد یافته، با چالش‌هایی چون بیکاری، تورم و بروکراسی اداری مواجه است. در چنین فضایی، حتی مفاهیم نمادینی همچون دفاع مقدس نیز نیازمند بازتفسیر از دریچه‌ی شرایط معاصر هستند. این نسل، اگرچه با احترام به ایثار نسل‌های پیشین می‌نگرد، اما انتظار دارد معنای دفاع از کشور در زمانه‌ی جدید نیز با مسائل روز پیوند یابد. مصاحبه‌شونده شماره ۱ استدلال می‌کند: «می‌گند. جوانای اون زمان شهید شدند واسه کشور... خب ما هم می‌خوایم کار کنیم، بسازیم، ولی هرجا می‌ریم هزار تا مجوز و کاغذبازی وجود داره. احساس می‌کنم که هم‌اکنون نیز در یک جنگ زندگی می‌کنیم، اما این بار جنگ ما اقتصادی و فرهنگی است. به نظر من دفاع از کشور در این شرایط یعنی ایستادگی در برابر این مسائل و تلاش برای سازندگی در دل چالش‌ها». این نوع نگاه نشان می‌دهد که اگرچه نسل زد تجربه‌ای متفاوت از زیست دفاعی دارد، اما همچنان در جست‌وجوی بازتعریف مفاهیم ارزشی در متن چالش‌های روزمره‌ی خود است. چنین برداشتی می‌تواند فرصتی برای پیوند مجدد با گفتمان مقاومت و ایستادگی باشد.

تغییر در سازوکارهای پیوند نسلی با گفتمان رسمی

یکی از مسائل اساسی در مناسبات میان نسل‌ها، چگونگی برقراری ارتباط مؤثر میان گفتمان‌های رسمی و زیست‌جهان فرهنگی نسل‌های نوین است. در این میان، نسل زد با ویژگی‌هایی چون آگاهی دیجیتال، ذهنیت چندفرهنگی، و دغدغه‌های پیچیده‌ی معیشتی و روانی، نیازمند بازنمایی معانی متعالی مانند فداکاری، ایثار و مقاومت در قالب‌هایی نو و هم‌افق با زبان امروز است. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ استدلال می‌کند: «وقتی در دانشگاه یا مکان‌های عمومی درباره‌ی دفاع مقدس صحبت می‌شود، اغلب احساس می‌کنم که از زبانی استفاده می‌کنند بیشتر متعلق به نسل‌های گذشته است. نسل امروز با نگرانی‌هایی همچون آینده‌ی شغلی، روابط انسانی و امید به زندگی روبرو است. اگر بتوانیم مفاهیم ایثار و مقاومت از دوران دفاع مقدس را به این موضوعات مرتبط کنیم، می‌توانیم تأثیرگذارتر باشیم». این دیدگاه نشان می‌دهد که نسل جدید نه تنها نسبت به مفاهیم بنیادین دفاع مقدس بی‌تفاوت نیست، بلکه در جست‌وجوی

پل‌های معنایی تازه برای فهم و به‌کارگیری آن‌ها در زندگی روزمره‌ی خود است.

الگوهای مصرف فرهنگی فراملی

نسل زد در ایران در شرایطی رشد یافته که مرزهای فرهنگی به‌واسطه‌ی اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های فرامرزی، تا حد زیادی تضعیف شده‌اند. این امر موجب شده شیوه‌ی معناسازی این نسل، در بستری جهانی شده شکل گیرد که در آن موسیقی، پوشاک، اسطوره‌های قهرمانی، زبان و حتی معناهای بنیادینی چون فداکاری و ایثار، از منابع متکثر و متنوع الهام می‌گیرند. در چنین شرایطی، مخاطب امروز بیش از هر زمان دیگری انتظار دارد که مفاهیم بنیادین، از جمله فرهنگ دفاع مقدس، با زبان، رسانه و نشانه‌های زندگی معاصر بازگو شود. در این زمینه، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱ استدلال می‌کند: «من معمولاً با بخش زیادی از محتوای فرهنگی داخلی ارتباط برقرار نمی‌کنم. نه اینکه مخالف آن باشم، ولی احساس می‌کنم که قدیمی یا سستی است... اگر دفاع مقدس بخواهد برای من معنای واقعی داشته باشد، باید به زبانی منتقل شود که با دنیای امروز من هماهنگ باشد. به عنوان مثال، استفاده از تصویرسازی، گرافیک، ویدئوهای کوتاه و روایت‌های انسانی. این چیزها الان هم وجود دارند ولی کم‌رنگند». این مقوله نشان می‌دهد که مسئله‌ی اصلی نه در محتوای ارزشی، بلکه در سازوکارهای روایت‌گری و زبان ارتباطی است. بنابراین، به‌روزرسانی شیوه‌های انتقال مفاهیم و بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌های نو، می‌تواند زمینه‌ی هم‌حسی و درک عمیق‌تر این مفاهیم را برای نسل امروز فراهم سازد.

راهبردها

در این پژوهش دو راهبرد اصلی پذیرش و مقاومت در درون مصاحبه‌ها به دست آمده است. راهبرد پذیرش در مواجهه با دفاع مقدس، بر بازتولید خلاقانه و همدلانه روایت‌ها تأکید دارد؛ بدین معنا که جوانان نسل زد تلاش می‌کنند ارزش‌ها و مفاهیم دفاع مقدس را نه از موضع مخالفت، بلکه به‌صورت معنوی، اخلاقی و هویتی بازتفسیر کنند. در مقابل، راهبرد مقاومت، علیرغم احترام به مفهوم دفاع مقدس، بر نقد و فاصله‌گذاری با روایت‌های رسمی، تمرکز دارد؛ این رویکرد از سر نارضایتی نسبت به یکنواختی و کم‌توجهی به تجربه‌های چندلایه شکل می‌گیرد و خواستار تنوع‌بخشی و بازنمایی واقع‌گرایانه‌تر دفاع مقدس است؛

راهبرد پذیرش

در مواجهه با مفهوم دفاع مقدس، بخشی از جوانان نسل زد، به جای تقلیل آن به یک روایت تاریخی رسمی، به سمت بازمعنابخشی مفهومی آن گام برداشته‌اند. در این راستا، چهار نوع راهبرد در میان نسل زد صورت گرفته است:

اول، تفسیر عرفانی - اخلاقی از ارزش‌های دفاع مقدس است که به این معناست که نسل جدید، مفاهیمی همچون ایثار، فداکاری و شهادت را در کنار چارچوب ایدئولوژی رسمی، در بستر معنوی، فردی و اخلاقی نیز درک می‌کند. برای آنان، شهادت گاه نه تنها یک ابزار حماسی، بلکه نمادی از فضیلت‌های متعالی انسانی و اخلاقی در مسیر رضای الهی است. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۴ استدلال می‌کند: «برای من، شهادت نوعی رفتن به سوی اهداف والاست و تنها به جنگیدن محدود نمی‌شود. وقتی می‌خوانم که یک شهید چگونه با محبت با دوستانش برخورد می‌کرد یا چگونه جان‌ش را برای نجات دیگران فدای کرد، این بخش‌ها منو خیلی تحت تاثیر قرار می‌دهد».

دوم، نسل زد به دنبال پیوند دفاع مقدس با هویت ملی - دینی نیز هست، اما نه از منظر سنتی. آن‌ها تلاش می‌کنند ارزش‌های دفاع مقدس را در بستر هویت ترکیبی خود که هم ملی، هم معنوی و هم تجربی است، معنا کنند. در واقع، دفاع مقدس زمانی برای آنان معنا پیدا می‌کند که به جای درک خشک، با احساس هویت ملی گره بخورد. مصاحبه‌شونده شماره ۳ در این ارتباط استدلال می‌کند: «وقتی به دفاع مقدس فکر می‌کنم، معمولاً احساسی از غرور ملی در من شکل می‌گیرد... این موضوع را جزء هویت می‌شمارم، اما نه به صورت شعاری؛ بلکه با درک اینکه آن دفاع برای حراست از سرزمینمان، مذهبمان و آزادی‌مان بوده است».

سوم اینکه، این نسل با انتخاب گزینشی نمادهای همدلانه، سعی می‌کند روایتی از دفاع مقدس را به رسمیت بشناسد که با احساسات، ارزش‌های اخلاقی و انسان‌گرایانه‌اش سازگار باشد. چهره‌هایی که هم مجاهد بوده‌اند و هم رنج کشیده‌اند، مادران شهیدی که مظلوم‌اند، یا رزمندگانی که با وجود سختی‌ها در راه خدا و میهن ایستادگی کرده‌اند، برای نسل زد قابل‌همدلی‌اند. این گزینش، نه نشانه بی‌تفاوتی، بلکه نشانه‌ی حساسیت بالا نسبت به ارزش‌های انسانی در روایت‌هاست. مصاحبه‌شونده شماره ۱۹ استدلال می‌کند: «من با عکسی از یک مادر شهید در اینستاگرام ارتباط عمیقی برقرار کردم چون در چشمان او هم غم و هم عزت را می‌دیدم. این احساس برای من قابل درک‌تر بود تا زمانی که معلم ما حرف‌های رسمی و جدی را سر کلاس بیان می‌کرد».

چهارم، روایت‌سازی از طریق تولید محتوای داوطلبانه است که برخلاف گذشته که روایت دفاع مقدس توسط نهادهای رسمی بازتولید می‌شد، امروز بخشی از جوانان نسل زد با ساخت پادکست، کلیپ، عکس نوشته، یا تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی، دست به بازآفرینی روایت‌ها زده‌اند. این روایت‌ها اگرچه گاهی با زبان غیررسمی و خلاقانه بیان می‌شوند، اما همچنان حامل پیوندی عمیق با ارزش‌های ایثار، مقاومت و شهادت هستند. این کنش داوطلبانه، نه از سر اجبار، بلکه از روی انتخاب آگاهانه و مسئولانه صورت می‌گیرد، و نشان می‌دهد پذیرش دفاع مقدس در این نسل، اگرچه متفاوت از نسل‌های پیشین است، اما همچنان ممکن و معنادار است. مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ استدلال می‌کند: «یک بار یک ویدئو درباره‌ی شهیدی از ارومیه دیدم که به عنوان داوطلب به جبهه رفته بود. این کلیپ همراه با موسیقی آذری و تصاویری سیاه‌سفید پخش می‌شد. من هم آن را در استوری کردم و تعداد زیادی کامنت گرفتم، حتی برخی از دوستان گفتند که احساسشان تغییر کرده است».

از این رو، می‌توان گفت برخی از جوانان نسل زد نه در نفی، بلکه در تعمیق و بازتفسیر روایت دفاع مقدس، راهی نو گشوده‌اند که می‌تواند بستر گفت‌وگوهای تازه میان گذشته و حال، سنت و تجربه زیسته را فراهم آورد.

راهبرد مقاومت

برخی از جوانان نسل زد در مواجهه با مفهوم دفاع مقدس، به جای پذیرش کامل یا بازتفسیر صرفاً معنوی، نوعی رویکرد متفاوت و گاه انتقادی را در پیش گرفته‌اند. این رویکرد، نه به منزله‌ی نفی کلی مفهوم دفاع مقدس، بلکه بیشتر بیانگر تلاش برای یافتن زبانی نو در بازنمایی آن از زاویه تجربه زیسته‌ی خود است.

نخستین نمود این رویکرد، نوعی فاصله‌گذاری خاموش با برخی از سبک‌های رایج روایت است؛ به گونه‌ای که در مواردی، نسل زد ترجیح می‌دهد از شیوه‌های تکراری و کلیشه‌ای پرهیز کند. این کنش، نه از بی‌تفاوتی، بلکه از تمایل به یافتن بیان‌هایی عمیق‌تر و معنادارتر از مفاهیم مرتبط با دفاع مقدس سرچشمه می‌گیرد. مصاحبه‌شونده شماره ۱۴ در این ارتباط استدلال می‌کند: «وقتی در تلویزیون مستندی درباره جنگ پخش می‌شود، به صورت خودکار کانال را عوض می‌کنم. نه اینکه این موضوع برای من اهمیت نداشته باشد، اما احساس می‌کنم آنچه نمایش داده می‌شود به نحوی است که متعلق به علائق من نیست... دوست دارم این مستندها به سبک دیگری پخش بشه...».

دوم آن‌که، برخی از جوانان نسل زد معتقدند که روایت‌های رسمی از دفاع مقدس نیازمند تنوع بیشتر و پرداختن به ابعاد انسانی و چندلایه این حماسه ملی هستند. درک این جوانان از دفاع مقدس، هنگامی تقویت می‌شود که احساس کنند صداها و تجربه‌های متنوع نیز در روایت‌ها بازتاب یافته‌اند. مصاحبه‌شونده شماره ۴ استدلال می‌کند: «در رسانه‌ها همیشه تصاویری یکنواخت از جنگ ارائه شده که گاهی با شنیده‌های ما همسو نیست. وقتی تنها یک روایت خاص برجسته می‌شود، این احساس به آدم دست می‌دهد که انگار بعضی‌ها فقط یک بخش از موضوع را گزارش می‌دهند».

سوم، بخشی از این نسل، با بهره‌گیری از ظرفیت فضای مجازی و منابع مختلف، به بازخوانی تحلیلی روایت‌های دفاع مقدس می‌پردازد. این رویکرد، در مواردی می‌تواند پرسش‌گر باشد، اما در صورت هدایت درست، می‌تواند زمینه‌ساز شناخت عمیق‌تر از ارزش‌ها و واقعیت‌های دفاع مقدس باشد. مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ استدلال می‌کند: «در اینترنت، یک مطلبی درباره افرادی که به در زمان جنگ مشارکت داشتند مطالعه می‌کردم. اما نام برخی از آن‌ها در هیچ جا اشاره نمی‌شود. این موضوع برایم جای سؤال دارد که چرا بعضی افراد به عنوان قهرمان شناخته می‌شوند و برخی دیگر نه؟».

چهارم، برخی از جوانان نسل زد با تکیه بر نیازهای فرهنگی و اجتماعی امروز، تلاش می‌کنند از میان شخصیت‌های معاصر نیز الگوهایی بیابند که در امتداد ارزش‌های دفاع مقدس قرار دارند. این گرایش، نه به منزله عبور از حافظه‌ی دفاع مقدس، بلکه نشان‌دهنده‌ی تلاش برای تداوم آن در بستر مسائل نوپدید است. مصاحبه‌شونده شماره ۱۸ استدلال می‌کند: «برای من، کسانی مانند شهدای پرستار در دوران کرونا خیلی الهام‌بخش هستند تا. زیرا کارهای آنها به دنیای من نزدیک‌تر است و خدمات‌شان را بهتر می‌فهمم».

در مجموع، رویکردهای راهبرد مقاومت نشان می‌دهد که برخی از جوانان نسل زد در تلاش‌اند تا با حفظ پیوند با ارزش‌های دفاع مقدس، شیوه‌هایی نو و متناسب با زبان و دغدغه‌های خود برای فهم و بازنمایی آن بیابند. چنین رویکردی، در صورت هدایت فرهنگی مناسب، می‌تواند به تعمیق پیوند نسل جدید با این گنجینه معنوی منجر شود.

پیامدها

نسل زد با مواجهه‌ای پیچیده و چندوجهی با این موضوع، به دنبال یافتن معنایی تازه و پویا برای هویت ملی خود است؛ معانی‌ای که به شکل‌گیری فهمی نوین از گذشته کمک کرده است که

البته این فهم تازه سه نوع پیامد متفاوت می‌تواند بر روی جامعه داشته باشد؛ سه پیامد اصلی تفاوت ماهوی دارند: ۱. پیامدهای تقویت‌کننده گفتمان ملی بر بازتعریف پویا و چندلایه هویت ملی تأکید دارند که نسل زد را به شکل فعال در بازاندیشی و تکمیل روایت‌های دفاع مقدس درگیر می‌کند؛ ۲. پیامدهای ترکیبی و میان‌سطحی نشان‌دهنده مواجهه تلفیقی و همزمان نسل جدید با روایت‌های رسمی و غیررسمی است که ترکیب انتقاد و تعلق را ایجاد می‌کند؛ ۳. اما پیامدهای هشدارآمیز فرهنگی عمدتاً بر تضعیف پیوند نسلی تمرکز دارند که می‌تواند انتقال ارزش‌ها و احساس تعلق به دفاع مقدس را در نسل جدید به خطر اندازد.

پیامدهای تقویت‌کننده گفتمان ملی

در بستر بازمعنابخشی دفاع مقدس از سوی نسل زد، یکی از مهم‌ترین پیامدهای هشدارآمیز، تضعیف پیوند نسلی در انتقال ارزش‌هاست؛ چرا که گاهی حافظه‌ی تاریخی مشترک، به دلیل گسست میان نسل‌ها و درهم‌ریختگی روایت‌های رسمی و غیررسمی، دیگر توان بسیج عاطفی و نمادین خود را از دست داده است. در صورت عدم توجه به بازتولید هوشمندانه و خلاقانه مفاهیم دفاع مقدس، ممکن است فرآیند انتقال ارزشی به مخاطره بیفتد. نسل جدید، که تجربه‌ی زیسته‌ای از جنگ ندارد، به تدریج احساس تعلق خود را به حافظه‌ی ملی از دست می‌دهد و در نتیجه، ارزش‌هایی که روزگاری از طریق نهادهای خانوادگی، آموزشی یا رسانه‌ای منتقل می‌شد، دیگر کارایی نمادین و هویتی گذشته را ندارد. در این میان، بستر فضای مجازی، با فراهم کردن امکان روایت‌های گزینشی از رخدادها و تاریخی، به تشدید این گسست کمک کرده و شرایطی را رقم زده که در آن، نسل جوان نیازمند روایت‌های باورپذیر، جذاب و منطبق با سبک زندگی امروز است تا دوباره با مفاهیم بنیادین مانند ایثار، مقاومت و شهادت ارتباط برقرار کند. مصاحبه‌شونده شماره ۹ استدلال می‌کند: «من از مادرم داستان‌هایی در مورد اینکه مردم شهر چگونه در زمان جنگ رفتار می‌کردند را شنیده‌ام... برداشت من این است که دفاع مقدس تنها یک جنگ نبود... آنها [ارزمندگان] بیشتر از آنکه دغدغه مادیات داشته باشند، بر ارزش‌های معنوی کرده بودند تا کشورشان را نجات دهند و این خیلی ارزشمند بود».

پیامدهای ترکیبی و میان‌سطحی

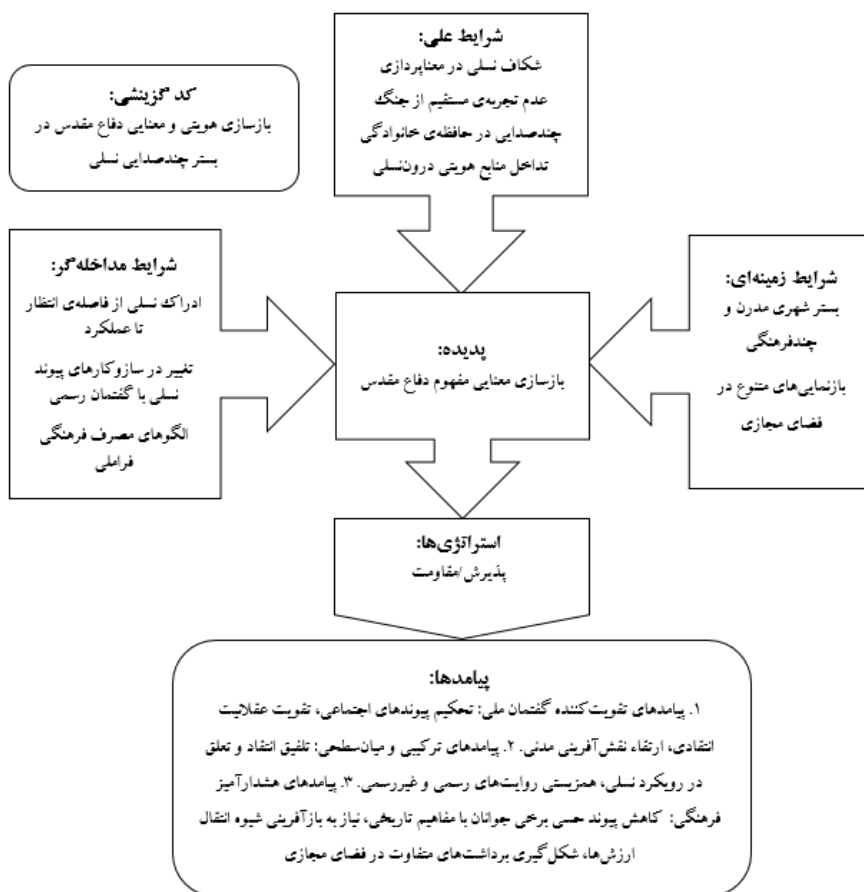
یکی از مهم‌ترین پیامدهای مواجهه نسل زد با مفهوم دفاع مقدس، ظهور رویکردی تلفیقی است که در آن انتقاد و تعلق به‌صورت همزمان بروز می‌یابد. این نسل برخی مواقع نه به‌طور کامل روایت‌های رسمی را می‌پذیرد و نه آن‌ها را مطلقاً رد می‌کند، بلکه نوعی همزیستی نسبی میان روایت‌های رسمی و غیررسمی را شکل می‌دهد. این تلفیق، به‌جای نادیده‌گرفتن یا پذیرش بی‌چون‌وچرا، راهی برای بازاندیشی در حافظه‌ی جمعی و تاریخی می‌گشاید؛ جایی که روایت‌های رسمی، مردمی، خانوادگی و حتی مجازی، به جای حذف یکدیگر، در تعامل و چانه‌زنی فرهنگی قرار می‌گیرند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ استدلال می‌کند: «نمی‌توانم به‌طور کامل حرف‌های کتابها را بپذیرم، چرا که گاهی احساس می‌کنم در آن‌ها نوعی سیاست وجود دارد. اما از این ورهم نمی‌توانم انکار کنم که بسیاری از مردم واقعا برای این کشور جان خود را فدای کردند».

پیامدهای هشدارآمیز فرهنگی

در بستر بازمعنابخشی دفاع مقدس از سوی نسل زد، یکی از مهم‌ترین پیامدهای هشدارآمیز، تضعیف پیوند نسلی در انتقال ارزش‌هاست؛ چرا که گاهی حافظه‌ی تاریخی مشترک، به دلیل گسست میان نسل‌ها و درهم‌ریختگی روایت‌های رسمی و غیررسمی، دیگر توان بسیج عاطفی و نمادین خود را از دست داده است. نسل جدید، که تجربه‌ی زیسته‌ای از جنگ ندارد، به‌تدریج احساس تعلق خود را به حافظه‌ی ملی از دست می‌دهد و در نتیجه، ارزش‌هایی که روزگاری از طریق نهادهای خانوادگی، آموزشی یا رسانه‌ای منتقل می‌شد، دیگر کارایی نمادین و هویتی گذشته را ندارد. در این میان، بستر فضای مجازی، با فراهم کردن امکان روایت‌های گزینشی از رخدادها تاریخی، به تشدید این گسست کمک کرده و شرایطی را رقم زده که در آن، روایت‌های رسمی با چالش‌های اعتبارسنجی و مقبولیت مواجه‌اند. بدین ترتیب، دفاع مقدس برای بخشی از نسل زد نه تنها خاطره‌ای دور، بلکه روایتی گاه بی‌ارتباط با زندگی روزمره آنان تلقی می‌شود که بیشتر از مجرای الگوهای رسانه‌ای غیربومی و یا شبکه‌های اجتماعی مصرف می‌گردد. مصاحبه‌شونده شماره ۷ استدلال می‌کند: «احساسم اینه که اطلاعاتم [درباره دفاع مقدس] خیلی عمیق نیست. کسی به آن صورت درباره‌اش صحبت نمی‌کند و در جامعه هم طوری مطرح نمی‌شود که بتوانیم ارتباطی با آن برقرار کنیم. بیشتر در اینستاگرام فیلم‌ها یا کلیپ‌هایی را می‌بینم که یا خیلی احساسی هستند یا به شدت عجیب و غریب مثل فیلم‌های هندی».

این پژوهش با هدف واکاوی چگونگی معناسازی نسل زد از مفهوم دفاع مقدس، در بستر تحولات فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای معاصر انجام شده است. با رویکردی کیفی و مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد اشتراوس و کوربین، داده‌ها از طریق ۲۲ مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌یافته با جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله در شهر تبریز گردآوری و در سه مرحله کدگذاری تحلیل شده‌اند. تمرکز پژوهش بر آن بوده است که چگونه تجربه‌های زیسته، در فرایند بازتعریف نسل زد از دفاع مقدس نقش‌آفرینی می‌کنند. تلاش بر این بوده است تا با ارائه مدلی نظری، پیچیدگی‌ها و لایه‌های گفتمانی در بازسازی معنایی این مفهوم توسط نسل جدید روشن شود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کد هسته «بازسازی هویتی و معنایی دفاع مقدس در بستر چندصدایی نسلی» از مهم‌ترین عوامل بازتولید و تحکیم مفهوم مقدس دفاع مقدس توسط نسل جدید است که می‌توان آن را با نظریات فوکو و هال تبیین کرد. از منظر فوکو (۱۳۹۸)، معنا نه در ذات پدیده‌ها بلکه در چارچوب نظام‌های دانشی شکل می‌گیرد که توسط نهادهای قدرت و تربیون‌های رسمی مانند دولت، رسانه‌های ملی و آموزش رسم‌س تولید و تثبیت می‌شوند. بر همین اساس، گفتمان رسمی دفاع مقدس نیز تلاشی برای تثبیت معنای واحد، اصیل و انقلابی از این مفهوم بوده است. اما آن‌گونه که هال (۱۹۸۰) در نظریه بازنمایی بیان می‌کند، مخاطبان، به‌ویژه نسل‌های جدید، این معنا را به صورت صرفاً منفعلانه نمی‌پذیرند، بلکه با رویکردی مبتنی بر شناخت و بصیرت، معانی بدیل و ترکیبی خلق می‌کنند. در این راستا، نسل زد، که در دل چندصدایی فرهنگی و رسانه‌های مجازی انقلابی پرورش یافته، نه تنها روایت رسمی را به چالش می‌کشد بلکه از طریق بازنمایی‌های شخصی، حافظه‌های خانوادگی، و محتوای تولیدشده در فضای مجازی، معنای دفاع مقدس را در چارچوب هویت‌های انقلابی و تحول‌پذیر خود بازسازی می‌کند. این بازسازی معنایی توسط نسل جدید، نه انکار صرف گذشته، بلکه تلاشی برای تملک معنایی آن بر پایه منطق همدلانه با آرمان‌های انقلاب اسلامی است؛ امری که نشان می‌دهد معناسازی نسلی، همواره در تعاملی سازنده میان گفتمان رسمی انقلابی و تجربه‌های زیسته جوانان شکل می‌گیرد.



شکل ۱. مدل نظری استخراج شده از یافته‌های پژوهش

همانطور که شکل ۱ نشان می‌دهد در بافت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که دفاع مقدس یکی از ستون‌های اصلی هویت ملی-اسلامی و مشروعیت آن به‌شمار می‌رود، مواجهه نسل زد با این مفهوم در قالب دو راهبرد اصلی «پذیرش» و «مقاومت» قابل تحلیل است. در راهبرد پذیرش، بخشی از جوانان کوشیده‌اند از طریق بازمعنابخشی اخلاقی و انقلابی، نوعی پیوند عاطفی و هویتی با دفاع مقدس برقرار کنند؛ اما این پذیرش اغلب از الگوهای رسمی فاصله می‌گیرد و بیشتر بر تجربه‌های فردی، حافظه‌های خانوادگی و ارزش‌های متعالی اسلامی و انسانی استوار است. در مقابل، راهبرد مقاومت، نه لزوماً در قالب تقابل صریح سیاسی، بلکه در هیئت بازخوانی نقادانه و اصلاح‌جویانه نمود یافته است؛ یعنی نوعی اعتراض مسئولانه و متعهدانه به انحصار معنایی گفتمان رسمی درباره مفهوم دفاع مقدس. پیامد چنین مواجهه‌ای، ظهور نوعی چندصدایی در حافظه

جمعی است که می‌تواند از یک سو به بازاندیشی در روایت‌های رسمی و ارتقای گفتمان ملی اسلامی-انقلابی منجر شود و از سوی دیگر، اگر نادیده گرفته شود، به کاهش کارکرد بسیج‌گرایانه مفاهیم نمادین در فضای فرهنگی و سیاسی منتهی گردد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بازنمایی نسل زد از دفاع مقدس، در کنار چالش‌ها و خوانش‌های انتقادی، می‌تواند فرصتی برای تقویت و تعمیق روایت‌های مردمی و انقلابی در راستای تثبیت روایت رسمی تلقی شود؛ زیرا پیوند جوانان با مفاهیم بنیادین، نه فقط در قالب پذیرش کامل، بلکه از مسیر گفت‌وگو، بازتفسیر و در عین حال تجربه‌زیسته بر پایه ارزش‌های ولایی و انقلابی قابل تحقق است. در این مسیر، روایت‌های غیررسمی و عاطفی می‌توانند در خدمت تقویت سرمایه اجتماعی پیرامون دفاع مقدس قرار گیرند، به‌ویژه زمانی که این مفاهیم در قالب‌های زبانی، رسانه‌ای و فرهنگی متناسب با نسل جدید و با رویکرد بصیرت‌افزا و انقلابی بازنویسی شوند. بنابراین، بازسازی معنایی دفاع مقدس را می‌توان نه تهدید، بلکه فرصت گفتمانی برای بازآفرینی پیوندهای فرهنگی و تاریخی میان نسل‌ها دانست. به همین دلیل در راستای کاهش تفاوت‌های نسلی و بازسازی پیوند معنایی نسل زد با مفهوم دفاع مقدس، می‌توان پیشنهادهای سیاستی زیر را ارائه داد؛

- بازنویسی روایت‌ها با زبان و سبک نسل جدید: انتقال مفاهیم دفاع مقدس از طریق روایت‌های انسانی، عاطفی و روزمره در قالب‌های کوتاه و دیجیتال متناسب با سلیقه نسل زد.
- حمایت از تولید محتوای مردمی: اختصاص بودجه و برگزاری جشنواره برای تشویق جوانان به تولید داوطلبانه محتوای خلاقانه درباره دفاع مقدس.
- بازتعریف ارزش‌ها در بستر دغدغه‌های امروز: پیوند مفاهیم دفاع مقدس با موضوعاتی مانند پیشرفت، محیط‌زیست، عدالت و سبک زندگی مقاوم.
- استفاده از راویان مورد اعتماد و در عین حال انقلابی: استفاده از چهره‌های محبوب و غیررسمی برای روایت دفاع مقدس به‌منظور افزایش هم‌دلی و کاهش مقاومت روانی نسل جوان.
- آموزش تعاملی و تجربه‌محور: جایگزینی آموزش‌های سنتی با کارگاه‌ها، پروژه‌های دانش‌آموزی، محتوای دیجیتال و اردوهای بازطراحی شده با فضای گفت‌وگو محور.

منابع

- احمدی، یعقوب، و کریمی، نینا (۱۴۰۳). تنزل تمکین/کاهش تسلیم (مناسبات نسلی نسل زد بر اساس فراترکیب پژوهش‌های موجود). جامعه‌شناسی ایران، ۲۵(۲)، ۳۴-۵.
- اشتراوس، آنسلم، و کوربین، جولیت (۱۳۹۵). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه داده‌بنیاد (ترجمه ابراهیم افشار). تهران: نی.
- باقری، لیلا، و رضوی طوسی، سید مجتبی (۱۳۹۵). مقایسه نگرش نسل‌های انقلاب اسلامی به ابعاد دفاع مقدس (مطالعه موردی، شهروندان شهر تهران). دولت‌پژوهی ایران معاصر، ۱۱(۱)، ۳۷.
- تاج‌بخش، غلامرضا (۱۳۹۹). تحلیل کیفی تأثیرات جامعه‌شناختی شهادت اسطوره مقاومت بر جوانان. معرفت فرهنگی اجتماعی، ۱۱(۲)، ۶۱.
- تمنائی، امیرحسین، ساری، حسین، و جلالی راد، محمدصادق (۱۴۰۱). «معنویت سیاسی و منبع الهام»: گفتمان دفاع مقدس از منظر امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی). شاهد اندیشه، ۳(۱)، ۲۱۷-۱۸۳.
- توانا، محمد علی، و علی‌پور، محمود (۱۳۹۴). بدن، سوژه و تکنولوژی‌های خود: درس‌هایی از راه‌حل فوکویی برای جامعه امروز. غرب‌شناسی بنیادی، ۶(۲)، ۲۱-۱.
- حیدریان کروی، مهدی، و گلپایگانی، سید علیرضا (۱۳۹۸). مقاله ترویجی شخصیت‌پردازی در مجموعه‌های انیمیشن دفاع مقدس بر مبنای سه مجموعه شجاعان، همسنگران و حماسه یک دلاور. مطالعات دفاع مقدس، ۴(۴)، ۴۶-۲۳.
- خضربایی راد، جواد، قالیباف، محمدباقر، احمدوند، علی محمد، و محکی، علی اصغر (۱۴۰۱). راهکارهای انتقال آموزه‌های فرهنگی دفاع مقدس به نسل‌های آینده. مطالعات دفاع مقدس، ۸(۲)، ۵۶-۳۵.
- سبحانی‌فر، محمدجواد، پیری، هادی مراد، و بویه، چمران (۱۳۹۶). اولویت‌بندی سیاست‌های فرهنگی نگهداشت و انتقال ارزش‌های دفاع مقدس به نسل آینده. مطالعات دفاع مقدس، ۳(۳)، ۶۰-۴۱.
- سلیمان‌پور عمران، محبوبه، حاتم‌زاده، سهراب، یوسفی‌فر، حسین، و سیاح، مجتبی (۱۳۹۸). بررسی روش‌ها و میزان آشنایی دانش‌آموزان با ارزش‌های دفاع مقدس: مطالعه موردی شهرستان بجنورد. مطالعات دفاع مقدس، ۵(۱)، ۵۱-۳۳.
- شیرشاهی، افسانه (۱۳۹۹). دگردیسی در ادبیات داستانی دفاع مقدس بر مبنای ده رمان برتر از دهه شصت تا دهه نود. ادبیات دفاع مقدس، ۴(۷)، ۶۲-۳۵.
- صالحی‌زاده، عبدالهادی (۱۳۹۰). عنوان فارسی: درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو؛ روش‌های تحقیق کیفی (عنوان عربی: نظرة علی تحلیل الخطاب لمیشیل فوکو: منهج البحث النوعی). معرفت فرهنگی اجتماعی، ۲(۷)، ۱۴۱-۱۱۳.

- طهماسبی برنا، محمد، و عسگری، احسان (۱۴۰۲). سازه‌انگاری و هویت انقلاب اسلامی «ملاحظه‌ای بر صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی در بستر جنگ تحمیلی». مطالعات دفاع مقدس، ۹(۴)، ۲۶-۹.
- ظفرعبداله زاده، فواد (۱۴۰۲). انفعال مخاطب در نظریه صنعت فرهنگ و تقابل مکتب بیرمنگام با آن. علوم خبری، ۱۲(۴)، ۱۸-۱.
- علیزاده، رضا، غلامی، محمدرضا، و هندی، علی (۱۴۰۲). تبیین جامعه‌شناختی هویت‌یابی جوانان از طریق جنگ هشت‌ساله دفاع مقدس (مورد مطالعه: جوانان شهر رشت). مطالعات جامعه‌شناختی، ۳۰(۶۲)، ۴۰۵-۴۲۱.
- غیبی، پروانه، محمدی مقدم، یوسف، علی‌پور، زهرا، و قیومی، عباسعلی (۱۴۰۰). شناسایی و جاری‌سازی ارزش‌های فرماندهان دفاع مقدس (ارائه یک نظریه داده‌بنیاد). مطالعات دفاع مقدس، ۷(۲)، ۱۷۴-۱۴۵.
- فاطمی، داود، و اسلامی فارسانی، عباس (۱۳۹۷). ارزیابی نظام ارزش‌های جامعه در دوران دفاع مقدس و دوران کنونی. مطالعات دفاع مقدس، ۴(۲)، ۱۵۰-۱۱۳.
- فرهمنده، مهناز، صبحی گلکار، زینب، و میرجلیلی، زهرا (۱۴۰۴). زیست‌جهان متحول: مطالعه کیفی بازاندیشی جنسیتی دختران نسل زد. جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۱۳(۲)، ۱۱۵-۱۴۵.
- فوکو، میشل (۱۳۹۸). مراقبت و تنبیه: تولد زندان (نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، مترجمان). تهران: نشر نی.
- قنبری باغستان، عباس، حسین‌زاده، فائزه، و غلامی، فرزاد (۱۴۰۲). فرآیند هویت‌یابی «تقلیل‌یافته» نسل زد در شبکه‌های اجتماعی: مطالعه موردی دختران نوجوان در شهر مشهد. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۹(۷۱)، ۱۳۵-۱۶۲.
- محمودزاده، سید مجتبی، صدری نیا، محمد، یزدان‌شناس، مهدی، و صحت، سعید (۱۴۰۳). الگوی رهبری نسل Z در سازمان‌ها (مروری نظام‌مند). پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، ۱۶(۳)، ۸۱-۱۱۴.
- منتظر قائم، مهدی، و کاوند، رضا (۱۳۹۳). نحوه خوانش و رمزگشایی شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای: مطالعه موردی خوانش جوانان تهران از شبکه‌های سیاسی و تفریحی فارسی‌زبان. تحقیقات فرهنگی ایران، ۷(۳)، ۱۰۷-۱۲۵.
- نظری، علی اشرف (۱۳۹۰). چرخش در مفهوم قدرت: تصور فوکویی و پسا فوکویی از قدرت. سیاست، ۴۱(۳)، ۳۵۸-۳۴۱.

Decherney, P., & Sender, K. (2018). *Stuart hall lives: Cultural studies in an age of digital media*. London: Routledge.

Franklin, M. I. (2013). *Digital dilemmas: Power, resistance, and the Internet*. Oxford University Press.

Hall, S. (1980). "Encoding/Decoding". In In S. Hall, D. Hobson, A. Lowe, & P. Willis (Eds.), Culture, Media, Language: Working Papers in Cultural Studies (pp. 128-138). London: Hutchinson.